

مراحل تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن سینا با تأکید بر نفس

شهناز شهریاری نیسانی*
رضاعلی نوروزی**
محمد نجفی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین مراحل تعلیم و تربیت با توجه به دیدگاه ابن سینا در باره نفس است. روش مورد استفاده در این پژوهش که پژوهشی کیفی و موردی است، روش توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش که مراحل تعلیم و تربیت با توجه به سیر تکاملی نفس تعیین گردید، سه مرحله تمهید؛ اعتدال و اعتلا؛ مرحله ملکوتی برای تعلیم و تربیت در نظر گرفته شد. مرحله تمهید که شامل مرحله نفس نباتی، حیوانی و انسان بالقوه (عقل هیولانی تا بالفعل) است از دوران پیش از تولد آغاز می شود و تا بلوغ صوری ادامه می یابد. دومین مرحله که شامل انسان بالقوه (عقل هیولانی تا بالفعل) و انسان بالفعل (حصول کلیه معقولات ثانی) است از 15 سالگی آغاز می شود و به دلیل فزونی عقل از 40 سالگی به بعد، پایانی برای این مرحله لحاظ شده است. مرحله ملکوتی که مرحله انسان بالفعل در معنای تام آن و وصول به مرتبه عقل بالمستفاد است، مرحله نهایی تعلیم و تربیت شناخته شد که متناظر با هدف غایی نظام فلسفی ابن سینا یعنی دستیابی به سعادت حقیقی است. نتایج همچنین حاکی از آن است که ابن سینا با معطوف ساختن توجه به شروع تربیت پیش از تولد،

shahriari54@gmail.com
nowrozi.r@gmail.com
mdnajafi@yahoo.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه اصفهان
** عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان
*** عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: 92/3/8

تاریخ دریافت: 91/11/19

تأدیب و تربیت اخلاقی کودک از پایان دو سالگی و... نظام تعلیم و تربیتی مادام العمر متشکل از نظام رسمی و غیررسمی را پایه گذاری نمود.
کلید واژه‌ها: نفس، قوای نفس، دیدگاه ابن سینا، مراحل تعلیم و تربیت.

مقدمه

تعلیم و تربیت از دغدغه‌های اصلی تمامی جوامع و ملت‌ها طی تاریخ بوده و امروزه نیز رشد و تعالی جامعه در گرو اصلاح این نهاد زیربنایی است.
با توجه به اینکه موضوع تعلیم و تربیت، افراد انسانی هستند که وجودی مرکب از جسم و روح یا به عبارتی نفس و بدن دارند در تربیت آدمی نباید تنها به بعد جسمانی او پرداخت و از توجه به جنبه‌های نفسانی غافل ماند. توجه به جنبه‌های نفسانی وجود انسان از جمله مباحثی است که از دیرباز مورد توجه حکما، فلاسفه و اندیشمندان بوده است. ندای «خود را بشناس» سقراط، فیلسوف بزرگ یونان باستان، خود نشان از قدمت توجه به امر نفس و تلاش او در جهت شناساندن حقیقت نفس و معرفی آن به دیگران بوده است.
از آنجایی که در نظام تعلیم و تربیت ما فراگیر نیز به عنوان وجودی برخوردار از جوهری مجرد به نام نفس که بر اثر توجه به چنین جوهری بنای اصلی شخصیت و سازمان شاکله وجودی او به صورت مطلوب محقق می‌گردد و تمامی فعالیت‌های تعلیم و تربیت بر مبنای آن سازمان می‌یابد، نگریسته نمی‌شود و همین بی‌توجهی و بها ندادن به نفس و روان آدمی است که نظام تعلیم و تربیت را با مسائل بسیاری چون دزدگی، بی‌انگیزگی، بلا تکلیفی، عدم مهارت یا بی‌کاری مواجه می‌سازد و باز همین بی‌توجهی‌هاست که سبب نگاه داشتن نظام تعلیم و تربیت در یک ساختار غلط، بی‌جاذبه و بی‌محتوا می‌شود که توانایی ندارد دانش‌آموزان را شیفته علم و ادب، دین و هنر و قدردان نسبت به آنها و همچنین متفکر و محقق بار آورد، توجه به بحث نفس ضروری است.

تلویحات مطالب فوق و نکته اصلی آن است که ریشه بسیاری از مشکلات فعلی نظام تعلیم و تربیت را باید در عدم توجه همه‌جانبه به جوهر وجود فرد جستجو کرد. از این رو، در پژوهش حاضر دیدگاه ابن سینا در باره نفس به عنوان اندیشمندی مسلمان و ملهم از قرآن، علاقه‌مند به تعلیم و تربیت و برخاسته از فرهنگ ایرانی - اسلامی که به تفصیل

به بحث نفس پرداخته و در این زمینه نکات بدیعی را مطرح نموده، برای طرح مراحل و منازل تربیت که اموری چون اهداف، اصول و روش‌های تربیتی همگی وابسته به تعیین آن است و از طریق آن انسان در بستر واقعیت‌های جهان عینی قابلیت بررسی پیدا می‌کند، به منظور کمک به رفع بخشی از معضلات نظام تربیتی مدنظر قرار گرفت.

نفس از دیدگاه ابن سینا

از دیدگاه ابن سینا، نفس کمال اول است برای جسم طبیعی آلی ذی حیات بالقوه (ابن سینا، *احوال النفس*، ص 56). به عبارت دیگر، نفس کمال اول برای جسمی طبیعی است که آن جسم آلت نفس است در افعال خود.

ابن سینا همانند اکثر فلاسفه اسلامی مباحث نفس را در حکمت طبیعی بیان کرده است. وی در شرح و بیان علت آن چنین می‌گوید که حیوان و نبات مرکب از دو چیز است: نفس که صورت محسوب می‌شود و جسم که ماده به شمار می‌آید و از لحاظ علاقه نفس به بدن جهت تدبیر و تکمیل است که موضوع نفس جزء طبیعیات قرار داده شده است (همو، *الشفاء للطبیعیات*، ص 1). وی به‌رغم قرار دادن مسائل مربوط به نفس در بحث طبیعیات، با الهام گرفتن از کلام خداوند و ائمه معصومان علیهم السلام قائل به پیوند عمیقی بین نفس و الهیات است. چنانچه شناخت نفس را نردبانی برای شناخت پروردگار دانسته و رابطه بین فراموشی نفس با فراموشی خدا را هشدار بر نزدیکی این دو حقیقت و تذکری بر وابستگی این دو معرفت می‌داند (همو، *احوال النفس*، ص 147-148).

ابن سینا همچون فلاسفه مشاء نفس را روحانیة الحدوث و البقاء می‌داند و با بیان نادرست بودن دو فرض موجود بودن نفس قبل از بدن به وصف کثرت (همو، *النجاة*، ص 376-375؛ *احوال النفس*، ص 97-96؛ همو، *الشفاء للطبیعیات*، ص 9) و موجود بودن نفس پیش از بدن به وصف وحدت (همو، *رسالة نفس*، ص 54-52)، حدوث نفس را همزمان با حدوث بدن دانسته و آن را در ابدان واحد بالنوع و کثیر بالعدد می‌داند.

در نظر ابن سینا نفس (ناطقه) جوهری قائم به ذات است که در بدن انسان یا در جسم دیگری که بتوان موضوع یا محل آن انگاشت، منطبع نیست و مفارق از مواد و مجرد از اجسام است، اما تا زمانی که انسان زنده است نفس، علاقه‌ای به بدن دارد که همانند علاقه کارگر به ابزار کار خویش است (همو، *احوال النفس*، ص 196). از این رو، شیخ نفس را در بدن منطبع ندانسته بلکه قائل به وجود رابطه تعلقی نفس با بدن است. وی همچنین به خلود نفس ناطقه معتقد بوده و با بیان عبارت «فی أن النفس الانسانية لا تفسد و لا تناسخ» (همو، *رسائل*، ص 270) تباهی نفس ناطقه و همچنین تناسخ آن را مردود دانسته است.

از آنجا که تعلیم و تربیت روندی تدریجی و مرحله به مرحله دارد و نفس نیز متشکل از مراتب سه گانه نباتی، حیوانی و انسانی است که هر مرتبه دارای قوایی است که به تدریج ظهور و بروز می‌یابد، می‌توان گفت که بحث مراحل تعلیم و تربیت بیش از هر چیز بر مراتب سه گانه نفس و قوای آن استوار است. از این رو در ادامه به بحث مراتب نفس و قوای آن پرداخته می‌شود.

مراتب نفس و قوای آن

ابن سینا همچون اسلاف خود، نفس را به ترتیب شامل سه مرتبه نفس نباتی، حیوانی و انسانی دانسته که هر مرتبه دارای قوای مخصوص به خود است. نفس نباتی کمال اول است برای جسم طبیعی آلی از آن جهت که تولید مثل می‌کند، رشد می‌یابد و تغذیه می‌کند (همو، *النجاة*، ص 319). لذا نفس نباتی دارای سه قوه غذایی، منمیه و مولده است. قوه غذایی، غذا را از قوه به فعل درمی‌آورد تا جایگزین آنچه تحلیل رفته، شود. قوه منمیه با استفاده از غذا رشد فرد را فراهم می‌آورد تا به غایت رشد خود برسد و قوه مولده جزئی از جسم را که بالقوه شبیه آن است گرفته و به کمک مواد دیگر با امتزاج، فردی شبیه اولی پدید می‌آورد (همو، *رسالة نفس*، ص 14-13). دومین مرتبه نفس، نفس حیوانی است که از جهت ادراک جزئیات و حرکت بالاراده کمال اول برای جسم طبیعی آلی است (همو، *النجاة*، ص 320). نفس حیوانی به دو قوه محرکه و مدرکه تقسیم می‌شود.

قوة محرکه خود به دو قسم محرکه باعته و محرکه فاعله تقسیم می‌شود. قوة محرکه باعته همان قوة نزوعیه یا شوقیه است که بر اثر تخیل صورتی خواستنی یا گریختنی، قوة محرکه فاعله را به حرکت درمی‌آورد که این قوه دارای دو شعبه قوة شهوانیه و قوة غضبیه است (همو، *احوال النفس*، ص 59-58) و قوة محرکه فاعله، قوه‌ای است که در اعصاب و عضلات قرار دارد و کارش آن است که عضلات را تحریک می‌کند (همو، *الشفاء الطبیعیات*، ص 33).

قسم دوم از قوای حیوانی یعنی قوة مدرکه، همچون قوة محرکه بر دو قسم است: قوه‌ای که از خارج ادراک می‌کند و قوه‌ای که از داخل ادراک می‌کند.

قوة مدرکه از خارج همان حواس پنج‌گانه (یا هشتگانه) بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه (داور در تضاد بین گرمی و سردی، داور در تضاد بین خشکی و رطوبت، داور در تضاد بین سختی و نرمی و داور در تضاد بین زبری و صافی) است و قوة مدرکه از داخل، شامل حواس باطنی بنطاسیا (حس مشترک)، مصوره (خیال)، متصوره (متخیله - مفکره)، متوهمه و حافظه می‌باشد (همو، *رسالة نفس*، ص 23-16).

سومین و بالاترین مرتبه نفس، نفس انسانی است که علاوه بر دارا بودن کمالات نفوس نباتی و حیوانی، بر ادراک کلیات نیز توانایی دارد. چنانچه در تعریف این مرتبه از نفس آمده است که نفس انسانی کمال اول است برای جسم طبیعی آلی از جهت اعمال فکری ارادی و استنباط به رأی و از جهت ادراک کلیات (همو، *النجاة*، ص 328). نفس ناطقه به دو قوة عالمه و عامله تقسیم می‌شود که به هر کدام از این دو قوه به اشتراک لفظ عقل گفته می‌شود (همان، ص 330).

ابن سینا در *رسالة الحدود عقل نظری* را قوة ادراک امور کلی و عقل عملی را آغاز تحریک شوق دانسته (ابن سینا، *رسائل*، ص 88) و در کتاب *شفاء عقل نظری* را عامل پیدایش علوم و عقل عملی را منشأ اخلاق می‌داند (همو، *الشفاء الطبیعیات*، ص 39 - 38).

ابن سینا در *اشارات عقل عملی* را قوه‌ای دانسته که نفس به واسطه آن به تدبیر بدن می‌پردازد و بیان می‌کند که عقل عملی نیروی کارهای جزئی را که انجام دادن آن بر آدمی واجب است را از مقدمات بدیهی و مشهور و تجربی بیرون می‌آورد تا به هدف‌های

اختیاری که دارد برسد؛ و در این کار به ملاحظه رأی کلی از «عقل نظری» کمک می‌گیرد تا به جزئی برسد (همو، الاشارات و التنبیها، ج 2، ص 352).

بنابراین عقل عملی، عقلی است که مبدأ فعل و صدور افعال گوناگون بوده و نفس برای کامل کردن بدن به آن محتاج است، اما این عقل برای انجام وظایف خود نیازمند استمداد از عقل نظری است؛ چرا که انجام عمل بدون علم و آگاهی ممکن نیست.

به عقیده شیخ این قوه باید بر سایر قوای بدنی تسلط یابد و بر آنها تأثیر گذارد، نه آنکه از آنها منفعل گردد. چنانچه این قوه تحت تأثیر بدن قرار گیرد و در آن هیئت انقیادی حاصل شود، اخلاق رذیله پدید می‌آید. در مقابل اگر این قوه منقاد بدن و قوای جسمانی نباشد، بلکه آنها را تحت اختیار خویش درآورد، اخلاق حسنه حاصل می‌شود (همو، النجاء، ص 331-330؛ همو، الشفاء «الطبیعیات»، ص 38).

قوه دیگر از نفس ناطقه، چنانچه به آن اشاره گشت عقل نظری یا قوه عالمه است که نفس از جهت کامل ساختن گوهر خود به آن محتاج است تا بتواند خود را به مرتبه عقل بالفعل برساند (همو، الاشارات و التنبیها، ج 2، ص 353). از این رو می‌توان گفت عقل نظری قوای است که نفس برای استکمال خود و دستیابی به کمال به آن نیازمند است تا از طریق آن به مرتبه فعلیت معقولات نائل گردد.

ابن سینا معتقد به وجود مراتبی برای عقل نظری است. اولین مرتبه عقل نظری، عقل هیولانی یا بالقوه است که نسبت به صورت معقول در حکم استعداد محض می‌باشد. در این مرتبه هیچ چیز از آن قوه، استعداد کسوت فعلیت نپوشیده و کمال مناسبی را قبول نکرده است. این مرتبه از عقل که در همه افراد نوع انسان موجود است به دلیل شباهت آن به هیولای اولی که ذاتاً هیچ صورتی ندارد ولی می‌تواند موضوع همه صور باشد، عقل هیولانی نام گرفته است (همو، الشفاء «الطبیعیات»، ص 39). بنابراین پایین‌ترین مرتبه عقل، عقل هیولانی است که استعداد محض است و هنوز به فعلیت نرسیده و در واقع فاقد هر گونه صورت عقلی است.

دومین مرتبه از عقل نظری که نسبت به صورت معقول در حکم قوه ممکنه است، عقل بالملکه است و آن مرتبه‌ای از عقل است که معقولات اولی یا بدیهیات (مقدماتی که تصدیق آنها به اکتساب و تعلیم جدید نیاز ندارد، بلکه به حکم فطرت برای عقل حاصل

می‌شود و خلاف آن را نمی‌توان تصور کرد) برای آن حاصل شده باشد تا از طریق آنها به معقولات ثانویه برسد (همو، *احوال النفس*، ص 66). بنابراین در این مرحله عقل از استعداد محض خارج شده و کمالی برای آن حاصل شده که همان معقولات اولی است. گاهی نسبت قوه نظری به معقولات خود نسبت قوه کمالیه است و آن وقتی است که صور معقوله کسب شده، پس از حصول معقولات اولی در آن حاصل، ذخیره و بایگانی شده‌اند و عقل هر گاه که بخواهد آن صور را بالفعل مطالعه و آن را تعقل می‌نماید و می‌فهمد که آنها را تعقل کرده است، که به این مرتبه از عقل، عقل بالفعل می‌گویند (همو، *الشفاء الطبیعیات*، ص 40). بنابراین عقل نظری در سومین مرتبه خود مخزنی از معقولات (معقولات اولیه و ثانویه) و یا به عبارتی مخزنی از اطلاعات است.

چهارمین مرحله، عقل مستفاد نام دارد و آن زمانی است که نسبت قوه نظریه به صور مدرکه خویش نسبت فعل مطلق است. در این مرتبه صورت معقوله نزد عقل حاضر است و عقل بالفعل آن را تعقل می‌کند و بالفعل مشغول تعقل بودن خود را نیز تعقل می‌کند (همو، *احوال النفس*، ص 67). این مرتبه از عقل در واقع همان عقل بالفعل است که معقولات را بالفعل مشاهده و تعقل می‌کند و می‌داند که بالفعل به تعقل آن صور اشتغال دارد.

علت نامگذاری این مرتبه به عقل مستفاد بدین جهت است که فعلیت آن مستفاد از عقلی است که خود دائماً بالفعل است یعنی از عقل مفارق یا فعال (داودی، ص 310). از دیدگاه ابن سینا با وصول به این مرتبه جنس حیوانی و نوع انسانی آن تمام و کمال می‌شود و در آنجاست که قوه انسانی به مبادی نخستین وجود مشابعت می‌یابد (ابن سینا، *الشفاء الطبیعیات*، ص 40). هنگامی که نفس مردم به این مرتبه برسد در علم و اخلاق به فضیلت رسیده و این غایت کمال انسان است و در این غایت نفس انسان در مرتبه «ملک» است (همو، *رساله نفس*، ص 26). وصول به این مرتبه که مرتبه مستقیم و بدون واسطه مشاهده معقولات است، متناظر با دستیابی به سعادت حقیقی است که غایی‌ترین هدف نظام فلسفی ابن سینا می‌باشد، چرا که با دستیابی انسان به سعادت حقیقی که همان رسیدن به مقام قرب و سدره المنتهی تحت عرش رحمانی است، جمیع حقایق برای آدمی منکشف می‌شود، حقایق را به نظر بصیرت می‌نگرد، موجودات عالم علوی را مشاهده می‌

کند و حواسب و وسائط میان او و معشوقش و معشوق تمام موجودات که به سوی او در حرکتند، بر طرف می‌گردد (همو، رسائل، ص 276 - 275). البته دستیابی به این مرتبه برای هر کسی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در این مرتبه که علو مرتبه انسان است، آدمی به موقعیت و جایگاهی می‌رسد که به دلیل تشابه و سنخیت با مبادی اولیه وجود تمام صور عالم در او مرتسم و منقش می‌گردد.

ابن سینا تصریح می‌کند که آنچه عقل را از مرتبه بالملکه به فعلیت تمام و از هیولانی به بالملکه می‌رساند افاضات جوهری مفارق به نام عقل فعال است (همو، الاشارات و التنبیها، ج 2، ص 354). در واقع از دیدگاه ابن سینا عقل فعال حقیقتی است که باعث ارتقای عقل از قوه به فعل شده و نفس را از مرتبه نقص به کمال (عقل بالمستفاد) می‌رساند.

ابن سینا علاوه بر مراتب چهارگانه عقل نظری، قائل به عقل دیگری است که آن را «عقل قدسی» می‌نامد. وی ضمن بیان عقل بالملکه به وجود این عقل اشاره کرده و آن را از جنس عقل بالملکه اما در مرتبه‌ای بالاتر از آن و مرتبه عالی قوه حدس می‌داند. ابن سینا وصول به این مرتبه را که به علت شدت صفای نفس، در هر مورد می‌تواند از عقل فعال پذیرش داشته باشد، برترین قوای نبوت و بالاترین مراتب قوای انسانی دانسته است (همو، الشفاء «الطبیعیات»، ص 220 - 219).

مراحل تعلیم و تربیت

مسئله مراحل و منازل در امر تربیت، از حیث مبنا به وسع آدمی و فراز و نشیب‌های آن بازمی‌گردد و در اهمیت آن همین بس که هر نظام تربیتی، بدون مراحل و منازل ناتمام و ناتوان خواهد بود. آنچه راه ما را در دست یافتن به اهداف هموار می‌کند و آنچه کلید بهره‌وری از اصول و روش‌ها را به دست می‌دهد و آشکار می‌سازد که هر اصل و روشی را کجا باید وا گذاشت و کجا باید به کار بست، همان مراحل و منازل تربیت است (باقری، ج 1، ص 241).

با توجه به اینکه آدمی در بدو تولد موجودی است بالقوه، که قادر است به بالاترین مراتب کمال دست یابد. تحقق این امر یعنی خارج شدن از حالت بالقوه‌گی محض و

وصول به بالاترین مراتب کمال در گرو عبور از مراحل مختلف و تبدیل شدن قوه به فعل طی این مراحل است و از آنجا که هر مرحله‌ای که تربیتی و فراگیر در آن به سر می‌برد دارای ویژگی و خصوصیات خاصی است، به نوع ویژه‌ای از تعلیم و تربیت نیازمند است. از این رو تعلیم و تربیت از مرحله نفس نباتی یعنی دوران جنینی و پیش از تولد آغاز می‌گردد و تا دستیابی به عقل بالمستفاد به عنوان بالاترین مرتبه از مراتب نفس ناطقه ادامه می‌یابد.

مراحل تعلیم و تربیت با توجه به دیدگاه ابن سینا در باره نفس عبارت‌اند از:

تعلیم و تربیت پیش از تولد (مرحله نفس نباتی)

هر مرتبه اقتضائات طبیعی ویژه خود را دارد. نفس نباتی که پایین‌ترین مرتبه نفس است در گیاهان نیز وجود دارد. این نفس دارای سه قوه غازی، منمیه و مولده است که امکانات طبیعی بشر در مرتبه نفس نباتی به شمار می‌روند و هر انسانی برای رسیدن به سعادت یعنی لذت بردن از کمالات ناگزیر است علاوه بر استفاده فراگیر از دیگر امکانات طبیعی خود، از این قوا نیز استفاده کند. در واقع حیات نباتی که متشکل از سه قوه مزبور است، بنیادی‌ترین شرط رسیدن به هرگونه سعادت به شمار می‌آید (طالبی، ص 189-190).

این مرتبه از نفس که تابع قوانین حیات به معنای جسمانی است، ناظر به حفظ حیات جسمانی و بقای نوع است و پیش از هر چیز به موقعیت جنین در رحم مادر اشاره دارد. در این دوران که وجود جنین وابسته به وجود مادر است کلیه حالات مادر به طور مستقیم یا غیرمستقیم جنین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع به‌رغم عدم ارتباط مستقیم دستگاه عصبی جنین با مادر حالات هیجانی مادر از قبیل ترس، خشم و اضطراب و فشارهای مختلفی که مادر در دوران بارداری به علل گوناگون بدان‌ها دچار می‌گردد می‌تواند در عکس‌العمل‌ها و رشد جنین تأثیر بگذارد؛ زیرا این قبیل فشارها و حالات هیجانی، بعضی مواد شیمیایی را ایجاد می‌کند که می‌تواند از طریق جفت وارد بدن جنین گردد (سیف و همکاران، ص 173-172).

ابن سینا در کتاب *قانون* به زیان این قبیل فشارها و هیجانات و تأثیر آنها بر جنین اشاره داشته و خشمناک نشدن و اندوهگین نگردیدن مادر در دوران بارداری را توصیه نموده است (ابن سینا، *قانون*، ج 3، ص 317).

بنابراین کلیه حالات و کیفیات مادر اعم از جسمانی و نفسانی بر وضعیت جنین در حال رشد اثرگذار است. چنین امری نه تنها در مرحله نفس نباتی مؤثر است، بلکه به دلیل بالقوه حیوانی بودن نفس نباتی، وضعیت روانی و حالات نفسانی کودک پس از تولد تحت تأثیر حالات و روحیات مادر در دوران بارداری قرار دارد. از این رو در این دوران باید وضعیت مادر از لحاظ بهداشت، تغذیه، حالات روانی و ... مورد توجه قرار گیرد تا از عدم تعادل و نارسایی‌هایی که ممکن است در اثر این بی‌توجهی و یا کم‌توجهی حاصل شود، جلوگیری به عمل آید.

تعلیم و تربیت از تولد تا بلوغ صوری (مرحله نفس حیوانی)

از دیدگاه ابن‌سینا مبدأ معرفت اشیا حس است (همو، *التعلیقات*، ص 82) و نفس ابتدا صور منطبع در ماده را با حفظ همه عوارض و لواحق به واسطه قوای حسی انتزاع می‌کند و این صور که دارای وضع و کم و کیف مشابه با محسوسند، در محل مادی حلول می‌کنند و سپس در مرحله بالاتر صور خیالی بدون عوارض و لواحق مادی مجرد تام از ماده حاصل می‌کند، به گونه‌ای که پس از زوال و غیبت ماده نیز باقی خواهند بود (همو، *المبدأ و المعاد*، ص 103). همچنین در منطق قضایایی وجود دارند که «مشاهدات» نامیده می‌شوند؛ یعنی همان قضایایی که موضوع آنها احساس شده و پس از حصول احساس، عقل به کمک حس احکامی را صادر می‌کند.

به بیان واضح‌تر حواس به طور مستقیم تنها مفید مفاهیم یا تصورات جزئی حسی‌اند و به طور غیرمستقیم در پیدایش مفاهیم کلی ماهوی محسوس همچون مفهوم سفیدی و سیاهی و... دخالت دارند؛ زیرا زمینه ساختن مفهوم کلی ماهوی محسوس و ادراک آن را از سوی عقل فراهم می‌کنند. این قبیل ادراکات علاوه بر تأثیر غیرمستقیم در پیدایش مفاهیم کلی ماهوی محسوس، در پیدایش تصورات جزئی و از جمله تصور جزئی خیالی نقش داشته و زمینه پیدایش آنها را نیز فراهم می‌سازند. خیال قوه‌ای است که از یافته‌های

حسی و نیز یافته‌های شهودی عکس‌برداری می‌کند و پیدایش صور ادراکی حسی در حواس یا نفس، زمینه پیدایش ادراکات خیالی می‌شود. به هر میزان که ادراکات حسی بیشتر باشد، شمار ادراکات خیالی بیشتر خواهد بود. بدین ترتیب حواس و ادراکات حسی به طور غیرمستقیم در پیدایش ادراکات جزئی خیالی و مفاهیم کلی ماهوی محسوس دخالت دارند (حسین‌زاده یزدی، ص 40).

حواس به عنوان فراگیرترین ابزار معرفت شامل حواس ظاهری و حواس باطنی است و بنا بر نظر ابن سینا انفعال حواس ظاهری منتهی به اعضای این حواس نمی‌شود بلکه در اعصاب حسی استمرار پیدا می‌کنند تا اینکه به مغز برسند، یعنی همان جایی که مرکز حواس باطنی است و در آنجا انفعال حس باطنی که مخصوص آن حس است ایجاد می‌شود. به این صورت که انفعالات حواس ظاهری وقتی از طریق اعصاب حسی به مغز می‌رسند ابتدا در حس مشترک که در تجویف مقدم مغز محفوظ می‌باشد و صور محسوساتی که در قوه خیال یا مصور مخزون است، مصدر و منشأ انفعالات قوه متخیله و همیه قرار می‌گیرد (ابن سینا، الشفاء «الالهیات»، ص 422).

بنابراین با توجه به آنکه اولین اموری که برای آدمی حاصل می‌شود از طریق حواس بوده و همین حواس و ادراکات حسی هستند که مقدمه‌ای برای ادراکات خیالی و سپس دستیابی به ادراکات عقلی به شمار می‌آیند، ضروری است آنچه در درجه نخست مورد توجه قرار می‌گیرد، تربیت و پرورش صحیح حواس باشد.

کودک از همان موقعی که متولد می‌شود با محیط خارج در ارتباط است و کلیه عوامل محیطی در رشد و پرورش او نقش دارد. کودک علاوه بر اینکه گیرنده پیام از محیط است، به دلیل داشتن حس کنجکاوی، به کاوش و اکتشاف در محیط می‌پردازد. او تجربیاتی را که علاقه‌مند به درک و کشف آنهاست را انتخاب می‌کند و به آزمایش و خطا می‌پردازد و از این رهگذر از مرتبه نفس حیوانی به سمت نفس انسانی در حرکت می‌باشد.¹

از آنجایی که در هر مرحله از مراحل رشد قابلیت‌ها و استعدادها خاصی وجود دارد و اگر زمینه بروز و شکوفایی آنها فراهم نگردد یا این امر با تأخیر صورت گیرد، نه تنها از رشد مطلوب این قابلیت‌ها جلوگیری به عمل می‌آید بلکه دستیابی به مراحل بعدی رشد

را نیز دشوارتر می‌سازد. علاوه بر این چگونگی به‌کارگیری این قابلیت‌ها در دوران بزرگسالی وابسته به نحوه پرورش و میزان شکوفایی آنها در دوران ویژه خود می‌باشد. از این رو عدم استفاده صحیح از حواس و قوه تخیل در دوران بزرگسالی را باید به عدم تربیت و بهره‌گیری صحیح و مناسب از آنها در مرتبه نفس حیوانی نسبت داد.

با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های دو مرحله فوق (نفس نباتی و حیوانی)، این مراحل را باید مراحل تمهید دانست. به عبارت دیگر این مراحل به منزله پیش‌نیاز و مقدمه ای برای مرحله بعد محسوب می‌شوند؛ چرا که با حفظ سلامت و پرورش قوا و نیروهای جسمانی و تربیت حواس و قوه تخیل است که حرکت به سمت پیشرفت و تکامل ابعاد عقلانی و روانی و در نتیجه تحقق اهداف الهی میسر می‌گردد.

تعلیم و تربیت از مرحله عملیات عینی تا دستیابی به عقل بالمستفاد (مرحله نفس انسانی)
با نظر به دیدگاه ابن‌سینا راجع به عقل نظری و مراتب آن و همچنین عقل عملی می‌توان مرحله سوم تعلیم و تربیت را بر اساس دیدگاه وی به شرح ذیل بیان نمود.

نفس انسانی نخست در مرتبه عقل هیولانی یا استعداد محض قرار دارد. در این مرتبه که نفس انسانی به صورت بالقوه و نفس حیوانی بالفعل می‌باشد، نفس حیوانی که مشخصه بارز آن حرکت و احساس است نخست از طریق محسوسات و سپس از طریق مخیلات به اولین مرتبه از کمال نفس، یعنی عقل بالملکه دست می‌یابد. چنانچه ابن‌سینا معتقد است حواس چاکران نفس ناطقه‌اند (ابن‌سینا، *معراج‌نامه*، ص 84) و در جای دیگر بیان می‌دارد تا نخست محسوسات و خیالات نباشند عقل ما به فعل نیاید (همو، *دانشنامه علائی*، ص 124). به عبارت دیگر، از آنجایی که نفس کار خود را با محسوسات و از طریق شبکه‌ها و تورهای پنج‌گانه‌ای که به سمت مادیات باز می‌شود، آغاز می‌کند و با ادراک محسوسات نسبت به امور آگاهی پیدا می‌کند، معقولات نیز از طریق حواس وارد ذهن می‌شود.

مرتبه دیگر از مراتب عقل نظری، مرتبه عقل بالفعل است که به منظور وصول به این مرتبه از عقل، فرد بر پایه اولیات و بدیهیات حاصل در مرتبه عقل بالملکه به کسب معقولات ثانویه می‌پردازد. به عبارت دیگر معقولات اولیه موجود در عقل بالملکه هستند

که زمینه اندیشه، استدلال و استنباط را فراهم می‌آورند و دستیابی فرد به کمال دیگری که همان معقولات ثانی است را امکان‌پذیر می‌سازند. بر همین اساس است که ابن‌سینا در زمینه دستیابی به عقل بالفعل بیان می‌دارد که حصول معقولات ثانویه منوط به بودن حواس ظاهره و باطنه و همچنین تقدیم قیاسات و براهین منطقی است تا موجب استعداد ذاتی فرد شده و او را از مقام قوه به سر حد فعلیت برساند (همو، رسائل، ص 274).

به موازات توجه به عقل نظری، پرورش قوه عملی نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که بنابر نظر ابن‌سینا عقل عملی منشأ تحریک شوق و صدور اخلاق است.

از آنجا که در سنین پایین قوه عامله نفس هنوز به فعلیت نرسیده، ابن‌سینا مواجه ساختن کودک با اخلاق نیکو، صفات پسندیده و عادات ستوده را توصیه می‌کند. شیخ زمان شروع تأدیب و تربیت اخلاقی کودک را هنگام فطام بچه می‌داند و بیان می‌کند که کودک را باید از کارهای بد دور و از عاداتی که عیب شمرده می‌شود، برکنار نمود (همو، ابن‌سینا و تدبیر منزل، ص 43). وی همچنین سپردن کودک به معلم ادب‌آموز را از سنین 6 سالگی توصیه می‌کند (همو، قانون، ج 1، ص 364). دلیل توجه شیخ به تربیت اخلاقی در این دوران آن است که این دوران از پرمایه‌ترین دوران برای تربیت و سازندگی به شمار می‌آید؛ چرا که این دوران، دوره تکوین و پایه‌گذاری شخصیت کودک است.

با پیشروی در مراتب عقل نظری به تدریج از میزان تأدیب و تربیت اخلاقی به معنای مواجهه ساختن کودک با عادات پسندیده و نیک کاسته می‌شود و رفتار متربی بیشتر مستلزم جهت‌دهی و هدایت می‌گردد؛ چرا که در این هنگام عقل عملی امکان صدور حکم به انجام یا عدم انجام فعلی را بر اساس آراء موجود در عقل نظری می‌یابد. این امر در مورد آن قسم از گزاره‌های عقل نظری صادق است که مربوط به مقوله باید و نباید باشند. این قبیل از گزاره‌ها که توسط عقل نظری درک می‌شوند، عملی کردنشان به اختیار بشر واگذار شده و به وسیله عقل عملی فهمیده می‌شوند (طالبی، ص 195-194).

اما بالاترین مرتبه از مراتب عقل نظری و کمال نفس رسیدن به مرتبه عقل بالمستفاد است. دستیابی به این مرتبه از کمال تنها از طریق عقل نظری قابل تحقق نیست بلکه عقل عملی نیز باید به مرتبه عالی خود رسیده و کمال این قوه یعنی فضیلت عدالت (ابن‌سینا،

الشفاء للإلهیات» (ص 455) برایش حاصل شده باشد. چنانچه ابن سینا معتقد است که سعادت حقیقی جز به اصلاح جزء عملی نفس به کمال خود نمی‌رسد (همان، ص 429) و کمال اختصاصی نفس ناطقه عبارت است از اینکه عالم عقلی باشد که در آن صورت کل عالم و نظام عقلانی در کل عالم و خیری که در کل عالم فیضان می‌یابد، ارتسام یافته است به گونه‌ای که به عالم معقولی تبدیل می‌گردد که موازی با کل عالم هستی است و در این مرتبه به مشاهده چیزی که حسن مطلق، خیر مطلق و جمال حق مطلق است، می‌پردازد و با آن متحد شده و به مثال و هیئت آن درمی‌آید. ابن سینا در ادامه بیان می‌دارد که این مرتبه از کمال، کمال افضل بوده و کامل‌تر از دیگر کمالات است به گونه‌ای که دیگر کمالات به هیچ وجه چه از حیث فضیلت و چه از لحاظ تمامیت و کثرت قابل مقایسه با این کمال نیست (همان، ص 426-425). کارکرد عقل عملی به منظور وصول به این مرتبه از کمال بدین صورت است که عقل عملی پس از درک خوبی یا بدی امور مربوط به رفتار بشر (استمداد از عقل نظری)، از راه قوه شهویه یا قوه غضبیه اراده می‌کند تا اندام‌ها را به منظور جلب سود یا دفع زیان در راستای رسیدن به سعادت ابدی به حرکت درآورد. بنابراین وظیفه قوه عامله نفس ناطقه، به حرکت درآوردن اندام‌های بدن برای رسیدن به سعادت همیشگی است. به تعبیر دیگر حرکت‌های اختیاری که قوه عامله نفس انجامشان می‌دهد، با هماهنگی قوه عاقله به منظور رسیدن به سعادت صورت می‌گیرند (طالبی، ص 195). بدیهی است که قوه عامله برای آنکه بتواند در این سعادت نقش داشته باشد باید بر قوای بدنی مسلط باشد و آنها را تحت انقیاد خود درآورد نه آنکه از آنها متأثر شده و در آن هیئت اطاعت و اثری انفعالی حادث گردد.

براساس مطالب فوق می‌توان مراحل تعلیم و تربیت را براساس آنچه در جدول زیر آمده است در نظر گرفت.

جدول مراحل تعلیم و تربیت

پیش از تولد (انعقاد نطفه تا تولد)		نفس نباتی	
تعلیم و تأدیب	تولد تا 15 سالگی	نفس حیوانی	مرحله تمهید
آغاز تأدیب و تربیت اخلاقی (از پایان 2 عملیات صوری: تولد تا پایان 10 سالگی) مرحله جهت‌دهی معلم ادب‌آموز (از 6 تا 15 سالگی)	مرحله بازی و پرورش حس، حرکت و تخیل (تولد تا آغاز 11 سالگی) مرحله جهت‌دهی معلم ادب‌آموز (از 6 تا 15 سالگی)		
بیرون از منزل			
	به فعلیت رسیدن اولین قوه (تکلم و گفتار) و در سنین 7-6 سالگی به فعلیت رسیدن دو قوه خواندن و نوشتن و...	انسان بالقوه (عقل هیولانی تا بالفعل)	
	15 تا... مرحله تربیت عقلانی و در نهایت دستیابی به تجرد عقلانی و تهذیب نفس	انسان بالقوه (عقل بالملکه تا بالفعل) انسان بالفعل (حصول کلیه معقولات ثانی)	مرحله اعتدال و اعتلا
	تجرد عقلانی و رسیدن به نهایت کمال در علم و اخلاق	انسان بالفعل در معنای تام: توانا بر تعقل (عقل مستفاد)	مرحله ملکوتی

بر اساس اطلاعات موجود در جدول، تعلیم و تربیت باید در سه مرحله تمهید، اعتدال و اعتلا و مرحله ملکوتی انجام شود.

مرحله تمهید دربرگیرنده نفس نباتی و حیوانی و همچنین انسان بالقوه (عقل هیولانی تا بالفعل) است.

نفس نباتی دوران پیش از تولد را شامل می‌شود و نفس حیوانی دربرگیرنده دو مرحله بازی، پرورش حس، حرکت و تخیل و مرحله جهت‌دهی جدی‌تر تخیل و خلاقیت است. در خصوص مرحله اول باید گفت که- همان‌گونه که در قسمت مبانی ذکر شد- حس و حرکت از ویژگی‌های نفس حیوانی است و تخیل نیز منبث از نیروهای باطنی این مرتبه از نفس است. مرحله حساس توجه به این امور به همراه بازی از تولد تا پایان 10 سالگی ذکر گردید. البته این امر به معنای عدم توجه به این امور پس از 10 سالگی نیست. دلیل تعیین چنین محدوده زمانی برای بازی آن است که اگر چه شیخ، بازی کردن کودک از 6 سالگی به بعد را بیشتر از زمان پیش می‌داند (ابن سینا، قانون، ج 1، ص 364)، اما با شروع عملیات صوری و انتزاعی از 11 سالگی، فرد بیشتر درگیر

تخیلات و امور انتزاعی شده و پرداختن به این امور جذابیت بیشتری برای او دارد از این رو از میزان گرایش کودک به بازی کاسته شده و کودک زمان کمتری را به بازی اختصاص می‌دهد. دلیل در نظر گرفتن پایان 10 سالگی به عنوان پایان مرحله پرورش حس، حرکت و تخیل نیز همان فاصله گرفتن بیشتر متربی از واقعیات و سیر در تخیلات خود از آغاز 11 سالگی است. این امر اگر چه از ویژگی‌ها و اقتضائات این سنین است شکل سازنده مستلزم جهت‌دهی و هدایت دقیق است. در واقع جهت‌دهی و هدایت صحیح تخیلات متربی در این محدوده زمانی (15-11 سالگی) بیش از پرورش حس، حرکت و تخیل اهمیت دارد.

لزوم توجه جدی به این هدایت و جهت‌دهی را می‌توان با این کلام شیخ دریافت که: قوه‌ای که مبدأ و سوسه است همان قوه متخیله است، هر گاه مطیع و منقاد نفس حیوانی گردد و چون وجه حرکت او مخالف با وجه حرکت نفس ناطقه است که متوجه عالم ملکوت اعلی و مبادی مفارقات تامه می‌باشد، از این جهت خناس است که نفس را به طرف عالم ماده و علائق ماده می‌کشاند؛ یعنی نفس را برخلاف سیر خود حرکت می‌دهد و آن را از توجه به عالم بالا منصرف می‌سازد و این قوه در سینه‌های مردم که نخستین مکان و مطیه برای نفس ناطقه است، و سوسه می‌کند (همو، رسائل، ص 334 - 333).

از آنجایی که در این محدوده سنی (تولد تا 15 سالگی) اولین قوه یعنی تکلم و گفتار (0 تا 4 سالگی) به فعلیت می‌رسد و در مراحل بعدی و در سنین 7-6 سالگی دو قوه خواندن و نوشتن فعلیت می‌یابد که دستیابی به بسیاری از فعلیت‌ها را تسهیل می‌کند، انسان بالقوه (عقل هیولانی تا بالفعل) نیز در ذیل مراحل تمهید قرار گرفت.

در زمینه تربیت نیز باید از پایان 2 سالگی شروع به تأدیب و تربیت اخلاقی کودک نمود و از 6 سالگی او را به معلم ادب‌آموز سپرد. از این رو سنین 6-3 سالگی، مرحله تربیت در منزل بوده و از 6 سالگی به بعد تربیت در بیرون از منزل نیز آغاز می‌گردد.

دلیل نامگذاری این مرحله به مرحله تمهید آن است که در این مرحله متربی به دلیل عدم شناخت و آگاهی کافی از نفس، احتیاجات آن و صلاح و مصلحت خویش و اینکه هنوز آمادگی عمل بر حسب الزام‌های درونی را بدست نیاورده و رفتارش مستلزم جهت‌دهی و هدایت است، نیازمند تعلیم و تربیت از جانب دیگران (والدین و ...) می‌باشد.

مرحله دوم، مرحله اعتدال و اعتلا نام دارد. اعتدال همان انسان بالقوه (عقل بالملکه تا بالفعل) است؛ یعنی مرحله‌ای که آدمی به منظور دستیابی به فعالیت‌های بیشتر تلاش می‌کند. به عبارت دیگر بر پایه بدیهیات، حواس ظاهری و باطنی، فکر، تقدیم قیاسات و براهین منطقی در جهت کسب معقولات ثانی حرکت می‌کند تا آنکه استعداد‌های نهفته در وجود خود را به سر حد فعلیت برساند. به‌رغم فعلیت یافتن بسیاری از استعداد‌های ذاتی، این مرحله بدین دلیل مرحله انسان بالقوه نامیده شده که کلیه معقولات ثانی برای فرد حاصل نشده است. مرحله اعتلا، مرحله انسان بالفعل است؛ انسانی که کلیه معقولات ثانی برای او مخزون گردیده و نیاز به اکتساب و یادگیری جدید ندارد. از این رو، مرحله اعتدال و اعتلا، مرحله تربیت عقلانی و در نهایت دستیابی به تجرد عقلانی است و تهذیب نفس برای به کمال رساندن قوه عملی ضروری است. چنانچه ابن سینا بیان می‌دارد که سعادت اخروی با تهذیب نفس بدست می‌آید؛ چرا که تهذیب نفس آدمی را از سبک هیئت‌های بدنی که متضاد با اسباب سعادت هستند دور می‌کند (همو، الشفاء «الالهیات»، ص 445) و به واسطه تحمل بر مشقات و ریاضات بدنیه، به جا آوردن اعمال مشروعه از قبیل نماز و روزه، رفتن به اماکن مشرفه و خواندن اوراد و اذکار وارده است که اشتیاق به مبدع قدیم بدست می‌آید و ملکه می‌گردد (همو، رسائل، ص 278).

آغاز مرحله اعتدال و اعتلا 15 سالگی در نظر گرفته شد و از آنجایی که شیخ معتقد است که علی‌رغم رو نهادن به ضعف و سستی تن بعد از سن 40 سالگی، عقل فزونی و قوت می‌یابد (همو، المبدأ و المعاد، ص 104) پایانی برای این مرحله لحاظ نگردید.

مرحله سوم، مرحله ملکوتی است. این مرحله، مرحله انسان بالفعل در معنای تام و کامل آن است؛ یعنی مرتبه‌ای که کلیه صور عالم در فرد مرتسم شده و معقولات را بالفعل مشاهده و تعقل می‌کند و می‌داند که بالفعل به تعقل آن صور اشتغال دارد؛ یعنی مرتبه تعقل تعقل. براساس مطالب پیشین، از آنجایی که به عقیده ابن سینا این مرتبه غایت کمال انسان است و آدمی با رسیدن به این مرتبه در علم و اخلاق به فضیلت می‌رسد، این مرحله که مرحله تجرد عقلانی است مرحله نهایی تعلیم و تربیت شناخته شد و به دلیل آنکه آدمی در این مرحله در مرتبه ملک قرار دارد، این مرحله، مرحله ملکوتی نام گرفت.

نتیجه

این پژوهش که با هدف بررسی نفس از دیدگاه ابن‌سینا و تبیین مراحل تعلیم و تربیت براساس آن انجام پذیرفت، گویای آن بود که به دلیل فرایند تکاملی نفس، مراحل تعلیم و تربیت را باید با در نظر گرفتن مراتب نفس تعیین نمود. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که تعلیم و تربیت باید طی سه مرحله تمهید، اعتدال و اعتلا و مرحله ملکوتی انجام شود.

مرحله تمهید خود شامل سه مرحله نفس نباتی، نفس حیوانی و انسان بالقوه (عقل بالملکه تا بالفعل) است و از لحاظ تربیت می‌توان از دو مرحله تربیت در منزل (6-3 سالگی) و تربیت بیرون از منزل (از 6 سالگی به بعد) سخن گفت.

مرحله اعتدال و اعتلا شامل انسان بالقوه (عقل بالملکه تا بالفعل) و انسان بالفعل است. این مرحله، مرحله تربیت عقلانی و در نهایت دستیابی به تجرد عقلانی و تهذیب نفس است و بالاخره مرحله نهایی تعلیم و تربیت، مرحله ملکوتی است که همان وصول به مرتبه عقل مستفاد است. این مرحله که مرحله تجرد عقلانی، دستیابی به نهایت کمال در علم و اخلاق و رسیدن به مقام و مرتبه ملک است، متناظر با دستیابی به سعادت حقیقی است. براساس یافته‌های پژوهش، مرحله تمهید از دوران پیش از تولد آغاز شده و تا بلوغ صوری ادامه می‌یابد. زمان شروع مرحله دوم 15 سالگی عنوان گردید و از آنجا که ابن‌سینا معتقد است که علی‌رغم رو به ضعف نهادن بدن از 40 سالگی، عقل قوت و فزونی می‌یابد، پایانی برای این مرحله لحاظ نگردید.

پژوهش همچنین حاکی از آن بود که ابن‌سینا با معطوف ساختن توجه به شروع تربیت قبل از تولد، تأدیپ و تربیت اخلاقی کودک از پایان دو سالگی و... نظام تعلیم و تربیت را از قالب رسمی و سنتی آن خارج ساخت و تعلیم و تربیتی مادام‌العمر را پایه‌گذاری نمود.

یادداشت‌ها

1. بنابر عقیده اندیشمندانی چون پیاز، کودک در سنین 2 تا 6 سالگی در مرحله پیش عملیاتی قرار دارد. کودک در این مرحله قادر به استنتاج عینی منطقی نیست (چنین امری حاکی از قرار داشتن فرد در مرتبه نفس حیوانی است) اما به تدریج قواعدی بر تفکر کودک حاکم می‌گردد (حرکت به سوی نفس انسانی) و از این طریق حقیقت پدیده‌های گوناگون را تبیین و از وقایع گوناگون پیرامون خود نتیجه‌گیری می‌کند. اما با این حال تفکر کودک هنوز امور عینی محدود بوده و کودک قادر به تفکر انتزاعی و اندیشیدن درباره تفکر خود نیست (سیف و همکاران، ص 82-80).

منابع

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، *ابن‌سینا و تدبیر منزل*، ترجمه محمد نجمی زنجانی، تهران، مجتمع ناشر کتاب، 1319.
- _____، *رساله نفس*، با مقدمه و حواشی و تصحیح موسی عمید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1331.
- _____، *المبدأ و المعاد*، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل با همکاری دانشگاه تهران، 1363.
- _____، *النجاه من الغرق فی بحر الضلالت*، با ویرایش و دیباچه محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1364.
- _____، *معراج نامه*، مقدمه، تصحیح و تعلیق نجیب مایل هروی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، 1365.
- _____، *قانون در طب*، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هه‌ژار)، ج 1 و 3 (بخش دوم)، تهران، سروش، 1368.
- _____، *احوال النفس (رساله فی النفس و بقائها و معادها)*، تحقیق احمد فؤاد اهوانی، طبع بدار احیاء الکتب العربیه، عیسی البابی الحلبی و شرکاه، 1371ق.
- _____، *دانشنامه علائی (طبیعیات)*، با مقدمه و حواشی و تصحیح سید محمد مشگوه، همدان، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و دانشگاه بوعلی سینا، 1383.

- _____، رسائل، قم، انتشارات بیدار، 1400 ق.
- _____، الاشارات و التنبيهات (مع الشرح للمحقق نصيرالدين محمد بن محمد بن الحسن الطوسي و شرح للعلامه قطب الدين محمد بن محمد بن ابی جعفر الرازی)، ج 2، بی جا، دفتر نشر الكتاب، 1403 ق.
- _____، التعليقات، تحقيق عبدالرحمن بدوی، بی جا، مركز النشر- مكتب الاعلام الاسلامی، 1404 ق.
- _____، الشفاء (الطبیعیات - مقاله الاولى؛ الالهیات - مقاله التاسع و العاشر)، با مقدمه دکتر ابراهیم مدکور، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، 1404 ق.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج 1، تهران، مدرسه، 1389.
- حسین زاده یزدی، محمد، کاوشی در ژرفای معرفت شناسی 2: منابع معرفت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1386.
- داودی، علی مراد. عقل در حکمت مشاء از ارسطو تا ابن سینا، تهران، مؤسسه انتشارات حکمت، 1387.
- سیف، سوسن؛ پروین کدیور؛ رضا کرمی نوری؛ حسین لطف آبادی، روان شناسی رشد (1)، تهران، سمت، 1383.
- طالبی، محمدحسین، «نظریه بدیع قانون طبیعی در حکمت اسلامی»، فصلنامه معرفت فلسفی، شماره دوم، 1390، ص 203-181.